

قانون اساسی باید منافع کارگران، دهقانان، زحمتکشان و همه خلقهای ایران را تضمین کند



کارگران و زحمتکشان متحد شوید

دوشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۵۸

سال اول - شماره ۲۵

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

قیمت ۱۰ ریال

فقط لیست ده نفری در کنار صندوقها و اطراف حوزهها مشاهده می شود

● قلب در اکثر حوزههای رای گیری دیده می شود

انتخابات مجلس خبرگان در محیطی کاملاً غیر دموکراتیک و در فضایی سرشار از غرض ورزی، تنگ نظری و وجهه گیری، زیر نظر مأموران «حزب واحد» و با حاکمیت مطلق تبلیغات این حزب و اعمال نفوذ گردانندگان این باسلاح انتخابات برگزار شد. با این که نیروهای مترقی «دشو» کاره را از قبل پیش بینی می کردند و می دانستند که شکل چنین انتخاباتی نمی تواند از محتوای آن جدا بماند. **بقیه در صفحه ۷**



در روز رای گیری بر خلاف تمام اصول و موازین انتخاباتی پوسترها و اعلامیههای گروه ده نفری در تمام حوزههای انتخاباتی به چشم می خورد. مأموران رای گیری به مردم می گفتند باید به این ده نفر رای بدهند.

سخنان کاندیدهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (که از رادیو و تلویزیون پخش شد)

سخنان حشمت الله رئیس - کاندید سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در انتخابات مجلس خبرگان از صلی جمهوری اسلامی ایران با درود فراوان به خلقهای قهرمان ایران! من در یک خانواده کارگری دنیا آمدم و از ۱۳ سالگی در شرکت نفت آغاچاری بکار مشغول شدم شرکت نفت در آرمغان، محصل مبارزترین و زحمتکشترین کارگران ایران بود. کارگران در جریان مبارزاتشان بمنزله دادند که طبقه کارگر هر چند بیشتر بیخواند، بیشتر بیپندش و در جریان مبارزه بجهت کسب کینه بیشتر به خلاقیت و توانایی خود و طبیعتش آشنا خواهد شد و بیشتر از سرمایه داران و

سرمقاله

مهندس بازرگان ابقاء قراردادهای اسارت بار با امپریالیست ها را به نفع مملکت و مردم می داند

مهندس بازرگان رئیس دولت موقت که بدلیل افشای اسناد خیلی خیلی محرمانه در باره ابقاء قراردادهای نظامی با آمریکا، از جانب روزنامه کار، ایراد شده آنچنان ماهیت برنامها و اقدامات او را فاش کرده که حتی آنها را نیز از روی جانب داری می کردند. این ماهیت دولت موقت پرده برداشته او در پیام خود نشان داد که دولت آنگونه در وابستگی به امپریالیست ها رفته است که با ایجاد اعتراضات منظم مردمی از قراردادهای رژیم سابق با امپریالیست ها را ابقاء کرده است. آقای بازرگان گفت «این قراردادهای شامل انواع قراردادهای تسلیحاتی، خدماتی، فنی و غیره و سفارشات و آذوقه بوده که با از بین بردن فعالیت های اقتصادی و کشاورزی محتاج به آنها بودیم و اصولاً بسیاری از این قراردادها ضد مملکت و خلاف نبوده بلکه برای بالا بردن سطح فنی و اقتصادی و نظامی و دفاعی مملکت بوده است...» (نقل از اطلاعات پنجمین ۱۱ مرداد ۱۳۵۸)

آقای بازرگان برای فریب توده های مردم بهزار توجیه و تفسیر متوسل می شود تا ثابت کند که گویا ابقاء قراردادهای رژیم سرنگون شده با امپریالیست ها به نفع مردم مملکت است. اما مردم آگاه ما می دانند که این حرفها همانند استدلالهای رژیم گذشته است. بازرگان می خواهد حتی رژیم منور پهلوی را نیز تیره کند. قراردادهای اسارت باری را که این رژیم با امپریالیست ها منعقد ساخته است به نفع مملکت و مردم جلوه دهد. گویا که رژیم مزدور سطح فنی و اقتصادی نظامی و دفاعی مملکت با امپریالیست ها منعقد کرده است!! این استدلال واقعاً مضحک و عوام فریبانه است. زیرا که تنها دارنده دولت بازرگان و سرمایه داران وابسته می توانند چنین استدلال کنند که قراردادهای رژیم سابق با امپریالیست ها به جهت سفارشات و استمرار مهین ما بلکه به خاطر پیشرفت مملکت و خدمت به خلق!! منعقد شده است. خلقهای مبارز ما خوب میدانند که قراردادهای مختلفی که رژیم در زمینه های اقتصادی

نحوه برگزاری انتخابات «مجلس خبرگان» نیز کامی دیگر در جهت پایمال کردن حقوق دموکراتیک زحمتکشان و خلقهای ایران بود

کننده نظیر رئیس جمهور و شورای باسلاح نگیان حق حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش را یکباره بچراغ گذارند. در یک کلام مضمون و محتوای انقلاب شد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ما را در نظر گرفته و گوئی که چنین اهدافی در متن جنبش و قیام وجود نداشته است. اما پیاده کردن این برنامه، یعنی سرهم بندی

ما طی مقالات جداگانه علل و انگیزه ای را که هیئت حاکمه در سرهم بندی کردن مجلس باسلاح خبرگان بهای مجلس موسسان برای تنظیم قانون اساسی داشت، توضیح دادیم. ما ثابت کردیم که انگیزه آنان ساختن و پرداختن یک قانون اساسی است که سیستم سرمایه داری را دست نخورده باقی گذارد. حقوق و آزادهای دموکراتیک مردم ایران را نادیده انگارند. و با ایجاد قدرتهای اجرائی و کنترل

۱۴ مرداد یادآور انقلاب مشروطه انقلابی که سرانجام سلسله خورد

۱۴ مرداد سال ۱۲۸۵ هجری شمس روز صدور فرمان مشروطیت بود. در حقیقت این روز، روز تظاهر سازش بین بورژوازی تجاری و فئودالیسم بود. روزی بود که بجای که از نظر اقتصادی قدرتی پیدا کرده بودند و می خواستند متناسب با آن در دولت هم سهواً داشته باشند، موفق شدند و توانستند از ناپسند فئودالها (مظفرالدین شاه) مهر تأیید بگیرند. در انقلاب مشروطه چه کسانی شرکت کردند؟ مبارزه را تودما کردند. آنها بودند که بیت نشسته، آنها بودند که گرسنگی و سختی محاسره و جنگ را تحمل کردند. آنها بودند که بهنگام تپش بستن مجلس در زمان محمد علی شاه بخاطر پرداختن و کتله دادند، آنها بودند که در تبریز برهبری انجمن غیبی و به

چرا نظامیان آزادیخواه کرمانشاه دستگیر و زندانی شدند

ما چشم می بینیم که نه تنها دولت، دولتی انقلابی نیست بلکه دولتی است سرکوبگر که در مقابل دیوانسالاری بیجا مانده از رژیم پهلوی مات و میوهت مانده و بخود را رو در روی کارگران و دهقانان و زحمتکشان قرار داده که رها شده خود را از زیر ستم استثمار و استثمار بی بهم ریختن آن دستگاهها و دیوانسالاری و روابط و شواط حاکم بر آنها می بینند. ارتش بیجا مانده از رژیم سابق شده

بعد از قیام پرشکوه ۲۲ بهمن که بخون ۱۶۵ هزار فرزند دلیر خلق قهرمان مسبار پشترانه آن بود تودماهای تحت ستم و اقتار زحمتکش خلق انتظار داشتند که دولت موقت انقلابی آنچنان روشی در پیش گیرد که طومار سرمایه داران وابسته، طبقات چارحاکم بر جامه و امپریالیسم ددمنش حامی آنها در خم بریزد و خلق یا خواسته بر سرنوشت خود حاکمیت یابد. اما اینک پس از گذشت ۵ ماه از آن قیام قهرمانانه، تودماهای مبارز مهین

فعالیت های خستگی ناپذیر و صادقانه هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران نیروبخش همه انقلابیون راستین است

اعضا و هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در روزهای پیش از انتخابات و در جریان توضیح نظرات سازمان و بخش اعلامیهها و تراکت های سازمان، با برخورداری هشیارانه و با متانت و بردباری انقلابی، رشد سیاسی خویش را به اثبات رسانند و نشان دادند که پیشاهنگان راستین خلقهای قهرمان ایران اند.

حملات گروههای انحصارطلب بر فضای ما و پاره کردن اعلامیهها و تراکت های سازمان در روزهای پیش از انتخابات، اعضا و هواداران سازمان را در توضیح نظرات سازمان برای همپیمانان و بخش و توزیع و نصب اعلامیهها و تراکت های سازمان مصمم تر ساخت. ما ضمن ستایش از این همه فعالیت خستگی ناپذیر و صادقانه هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران که خودنیروبخش همه انقلابیون راستین است، از رفقا و دوستانی که در این چند روز فعالیت داشتند می خواهیم که تعارف خود را جمع بندی کرده و برای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ارسال دلائل.

سیاست دولت در میروان

این گزارش قسمتی از جزوه ای تحت عنوان فوق می باشد که توسط دفتر هواداران سازمان در سنجج منتشر شده است.

بدنبال درگیری روز ۵۸۶۲۳۳ بین مردم میروان و پاسداران، مردم برای جلوگیری از هرگونه حادثه ای بزرگتر شهر را تخلیه کردند. تخلیه شهر دقیقاً در اطلاعیه منتشره از جانب شورای موقت انقلاب شهر میروان منعکس شد. بیش از ۹۵ درصد از مردم میروان شهر راترک کرده در شهرستانها یا محلات اطراف و عدای نیز حدود ۵۰۰۰ نفر در ۱۵ کیلومتری میروان در خانه باشناق منتظر شدند. آوارگان اغلب بیسارند، کمبود دکتر بلشت احساس میشود. در این مدت کمکهای دارویی و غذایی از شهرستانها توسط نیروهای مترقی و ناپسندگان مردم میروان فرستاده شده است ولی تاکنون نه تنها دولت هیچگونه اقدامی در جهت حل

دولت موقت جمهوری اسلامی ایران
شماره ۳/۱۳۵۸
تاریخ شماره ۱۳۵۸/۴/۱۲

تیمسار سرتیپ تقی ریاحی
وزیر دفاع ملی ایران

دفعه - ابناء قراردادهای پشتیبانی آمریکا

مقاله، بنامه شماره ۳۰۳/۱۴۰۱/۰۱/۹۸/۱۷
۱۳۵۸/۴/۱۲ اشار میدارد.

۱- با ابناء قراردادهای مندرج در پیوست دو به شرح پیشنهادی موافقت حاصل است.

۲- در مورد قراردادهای مندرج در پیوست یک، موضوع نحت بررسی و تصمیم متخذه متناهی اعلام خواهد شد.

نخست وزیر
مهدی بازرگان

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

سخنان کاندیداهای سازمان چریکهای فدائی...

ما قبحم و با همه تبلیغات شد مردمی رژیم منور
 جلوی که سی میگرد با خدمه ونیرنگ و
 هوافضایی نهن کارگران راستب بافناپیون
 واقی و مدافین راستین طیفه کسارگر و
 خود ما را از سازمان چریکهای فدائی خلق
 ایران دور سازد. اما همان ابتدا دریاقیم
 که اهداف و آرمانهای ما با اهداف
 سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
 یکی بوده و دانستیم تنها راه نجات،
 پیوستن به این سازمان انقلابی و آتش‌پا
 می‌باشد این بود که پس از آشنائی با اهداف
 سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و
 بمسافت انقلابی چریکهای فدائی خلق که
 جریان مبارزاتشان به‌انبات رسیده بود، تلاش
 چندینی را آغاز کردیم و در جهت آگاه‌کردن
 دیگر کارگران، با پیش اعلامها و جزوایی
 که خود تهیه می‌کردیم به‌شناختن این سازمان
 در سطح کارخانهها پرداختیم.
 نوشتیم: «وقار سازمان چریکهای فدائی
 خلق ایران را در بین کارگران و دیگر
 زحمتکشان توزیع می‌نمودیم، و چون باین
 اصل معتقد بودیم که کارگران باید هرچه
 بیشتر کتاب بخوانند بیشتر بیاندیشند و علم
 رهایی خود را بیاموزند، همواره در صد آن
 بوجهی که با ارتباط با سازمان چریکهای فدائی
 خلق ایران نقش فائوری را در مبارزه داشته
 باشیم.»

آیا شنیده‌اید سرمایه‌دار درد اجاره‌نشینی...
 خانمانی کشیده باشد یا شش ما دنبال کار
 بگردد که در یک کارخانه‌ای، جانی منلسی
 بدمت آورد و استخدام شود و لقمه نان برای
 و فرزندش تهیه کند؟ اگر قدرت در دست
 سرمایه‌داران باشد و آنان در حکومت باشند
 همسما حق زبردست پایمال می‌خود و کارگر
 ودحقان و کاسب و سرپاز و آموزگار چیزی
 نصیبشان نخواهد شد. حالا می‌خواهد قانون
 اساسی همین قانون اساسی باشد یا غیر از این
 باشد. گذشته از این مطلب، ما معتقدیم که
 همین پیش‌نویس قانون اساسی اصلا منافع
 طبقه کارگر و طبقات پائین جامعه را در نظر
 نگرفته است. هدف این پیش‌نویس حفظشان
 رژیم سرمایه‌داری بوده است. سراسر این قانون
 هیچ اشاره‌ای به حقوق طبقه کارگر نکرده است.
 حق اعتصاب که از ابتدائی‌ترین حقوق و حربه
 مؤثر طبقه کارگر برای دفاع از منافع خود در
 برابر سرمایه‌داران است، در پیش‌نویس قانون
 اساسی از کارگران سلب شده است. حق داشتن
 کارمناسب، حق طبیعی هر انسان زنده است.
 قانون اساسی این حق کارگران را پایمال
 کرده است هرصو جامعه باید حق داشته باشد
 مسکن مناسب برای زیست خود داشته باشد،
 قانون اساسی باید این حق مردم را به رسمیت
 بشناسد.

بقیه از صفحه ۱
 ایران با رهنمودهای خود مردم را به آموختن
 از کارگران سنت نفت دعوت می‌کرد. سازمان
 چریکهای فدائی خلق ایران می‌گوید دولت
 باید منتخب شوراهای کارگران و دهقانان
 و سرپازان و دیگر اقشار زحمتکش خلق باشد.
 قانون اساسی که رژیم حکومتی ایران را تعیین
 می‌کند باید بهمت همین نمایندگان شوراهای
 انقلابی کارگران و دهقانان تنظیم شود. تا
 بتواند پاسدار منافع همین طبقات محروم باشد.
 ما فکر نمی‌کنیم نتایج کار مجلس خبرگان
 سرمایه‌داران را از حکومت بدوران‌اندازد و جای
 آنها را به کارگران و زحمتکشان دهد. چون
 مجلس خبرگان، مجلس نمایندگان کارگران
 و دهقانان و زحمتکشان نیست.
 با درود به همه خلقهای ایران
 مستحکم باد اقتصاد کارگران، دهقانان و سایر
 زحمتکشان ایران
 مرگ بر امپریالیسم جهانی بمرکردگی
 امپریالیسم آمریکا
 پیروز باد مبارزات حق طلبانه خلقهای
 ایران.
 حجت‌الله رئیسی
 کارگر مکانیک ماشین‌های سنگین پالایشگاه
 تهران کاندیدای سازمان چریکهای فدائی
 خلق ایران - از تهران

کرده؟ همین پاره‌ها، همینانکه زحمت
 می‌کنند شب و روز وبه اندامی آسایشون
 سرمایه‌دار، قابلیت هیچ کاری روندارن.
 در حالیکه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
 می‌رسد: آیا همین‌ها هستند که کارخونه‌ها رو
 می‌گردون؟ زمینای پایر رو آباد می‌کنن؟
 بازارو بهراه میندازن؟ اداره‌ها رو اداره
 می‌کنن؟ یادگانه‌ها رو می‌چرخون؟ و در قیام
 دلوارانه شرکت کردند؟ کی بود که قیام رو
 به‌پروزی رسوند؟ کی بود که شاه رو از
 ایران بیرون کرد؟ همین پاره‌ها، همینانکه
 همیناس که می‌گن قابلیت شرکت در حاکمیت
 سیاسی روندارن. ما معتقدیم تنها و تنها
 نمایندگان واقعی اینها هستند کمی‌تون‌قوانین
 رو بنفع زحمتکشان تصویب کنن و تنها و تنها
 این زحمتکشان هستند که می‌تونن دم امور
 سیاسی کشور شرکت فعالانه داشته باشن. اینها
 قابلیتشون را در طول تاریخ به‌اثبات رسوندن.
 سازمان چریکهای فدائی خلق ایران معتقد،
 زمین باید مال اون‌کی باشد که روش کار
 می‌کنه، کارخونه باید مال اون کسی باشد که
 توش کار می‌کنه، و سرمایه‌های کوچک در
 مقابل سرمایه‌های بزرگ باید قوانینی بگذرونن
 که حفظ شه. زنا باید در تمام امور با مردا
 یکسان باشن. زنا زحمتکش توکارخونه‌ها
 باید شیرخورگاه و مهد کودک داشته باشن،
 مزد مساوی با مردا بگیرن و تمام برابری‌های
 زن و مرد رعایت شه. هیچ قانونی از نظر
 ما که این برابری رویم بزنه مقص نیست.
 مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی
 وابسته به آن
 پیروز باد مبارزه زحمتکشان جهان
 رفیق دانشگری - کاندیدای سازمان
 چریکهای فدائی خلق ایران

بگذارند از ورود نمایندگان واقعی آنها می
 ترسند.
 چرا فقط خبره؟ خبره درچی، خبره در
 خرافاتی از نظر ما خبره کسی است که در دفاع
 از کارگر، سرپاز، دکاندار، دهقان، دانشجو و
 مسلم در برابر سرمایه‌داران و اربابان
 امپریالیست آنان خبره باشد. خبره کسی است
 که در کوره مبارزات خلق آینه‌شده شده باشد.
 سازمان چریکهای فدائی خلق ایران معتقد
 است این یک مجلس انحصار طلبانه است. پیش
 از ۹۷ مردم این کشور کارگر، دهقان، دانشجو
 و بازاری، و دانشجو، و مسلم سرپاز، راننده، و
 کارمند و ازاین قبیل هستند آئوخت پیوند
 چندتا از کرسی‌های مجلس به‌پایا بخواهند
 رسیده از خود اینها چند نفر بمجلس می‌روند
 نتیجه کار این مجلس از قبل معلوم است که
 چیست؟ مجلسی که از ۹۷ در صد مردم
 کسی در آن نباشد معلوم است که نتیجه‌اش
 چه خواهد شد. ما تسوجه به‌پایانسی
 که برآمدنداخته‌اند هنوز همه مردم از محتوای
 قانون اساسی چیزی نمی‌دانند و چه با که به
 آن رای می‌دهند ولی در آینده صلا آرا
 خواهند شناخت. و آرا مخالف منافع خود
 خواهند یافت. علاوه بر همه اینها، کارهای
 دیگری هم کرده‌اند که حتی یک نفر مخالف
 این پیش‌نویس هم نتواند وارد همین مجلس
 ۷۵ نفر بشود، ببینید چطور، خیلی ساده راه
 ورود را بسته‌اند.
 عدای که انتخاب میشود ۷۵ نفر هستند
 یعنی طبقه هر ۲۵۰ هزار نفر رای دهنده باید
 یک نماینده انتخاب کنند ولی می‌دانید چه
 کرده‌اند؟ گرداندگان امور بجای اینکه اعلام
 کنند هر کسی که ۲۵۰ هزار رای بیاورد حق
 ورود بمجلس خبرگان را دارند، گفته‌اند
 حائزین اکثریت حق ورود بمجلس خبرگان
 را دارند مثلا در تهران چون هر کسی بده
 نفر رای میدهد نظیر اول که مثلا کمی
 بیش از یک میلیون رای می‌آورد انتخاب
 میشود اما نفر یازدهم اگر ۵۰۰ هزار رای
 هم بیاورد انتخاب نمیشود یا اگر در تهران
 دو حزب وجود داشته باشد و یک حزب ۲
 میلیون رای بیاورد و حزب دیگر ۱ میلیون
 رای از حزب دوم هیچ نماینده‌ای انتخاب
 نمیشود.
 این کارها را برای چه می‌کنند؟ آیا جز
 برای اینکه مخالفین این پیش‌نویس نتوانند
 حرفشان را بگویند مردم برسانند در حرف
 مدعی میشوند ما مانع ورود مخالفین پیش
 نویس بمجلس نمی‌شویم ولی در ضل نظر راه
 را برای انتخاب نمایندگان یک سده باز می
 گذارند، این یک حق‌کنی آشکار است، این

سازمان چریکهای فدائی خلق

ایران چه میگوید؟

سازمان ما در سخت‌ترین شرایط تاریخی و
 درسیاترین سالهای دیکتاتوری قد علم نمود
 ویرجیم مبارزه علیه دیکتاتوری و امپریالیسم را
 برافراشت. بنیان گزاران سازمان چریکهای
 فدائی خلق و ادامه دهندگان راه آنها در یک
 مبارزه طولانی در شهر و روستا و در کجایه‌گاه
 ها، در بیادگاههای نظامی و در میدان‌های
 تهرپازان از حقوق تمام خلقهای ایران در
 برابر دیکتاتوری کثیف شاه مطبوع دفاع
 نمودند. در طول قیام سازمان چریکهای فدائی
 خلق همواره با مردم ایران و پیشاپیش آنها در
 قیام شرکت جست و در ۲۶ و ۲۷ بهمن همرا
 با توده عظیم خلق به کمک هزاران مبارز
 شتافت. با دیکتاتور شاه را بگور سرد و از
 این طریق برگی زنیی از فتنه‌کاری رژیم
 خوبار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
 نوشته شد. بعد از قیام نیز در کار زحمتکشان
 و دیگر خلقهای ایران با بقایای ارتجاع و عوامل
 امپریالیست بیاباره برخواستند. در شرایط
 کنونی، عدای ما را متهم می‌کنند که از همه
 چیز ایراد می‌گیریم. بقول معروف همیشه
 منعی بافی می‌کنیم. ما می‌گوئیم اینها حریف
 کانی است که می‌خواهند نگذارند مردم
 آگاه شوند تا بدینوسیله رژیم سرمایه‌داری را
 حفظ کنند. ما می‌گوئیم حکومت باید بهمت
 نمایندگان کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان
 مثل سرپازان و ردهای پائین ارتش سپرده
 شود. مردم ما بیاد دارند که در طول مبارزات
 پرشکوه خلق، در جریان قیام، کارگران در
 کارخانه شورا تشکیل دادند و اداره امور را
 تحت کنترل خود گرفتند. سرپازان نیز در
 ارتش کوشیدند با ایجاد شوراهای نظامی
 امور یادگانه را خود بهمت بگیرند. ما اکنون
 در بسیاری از روستاهای ما شوراهای دهقانی
 تشکیل شده است. در ادارات دولتی نیز
 کارمندان در اکثر جاها شورا تشکیل دادند.
 و در سمت نفت کارگران و کارمندان آگاه
 و مبارز که با احصاب حصابه آفرین خود
 لوله‌های نفت را بستند، گلوی اشتیاد را
 فترند و راه را برای پیروزی خلقهای ایران
 بر رژیم شاه را گشودند. آنها با تشکیل شوراهای
 و کنترل پالایشگاهها و تاسیسات نفتی، بلوغ
 سیاسی خود را نشان دادند و در این زمینه نیز
 پیشگام سایر نیروها بودند. و آنان ثابت‌نمودند
 که می‌توانند بدون دخالت عناصر وابسته به
 رژیم سابق، اداره امور را در دست بگیرند
 و نمونه بارز آنرا می‌توان در پالایشگاههای
 آبادان و تهران مشاهده نمود. این کار
 کارگران و کارمندان شرکت نفت نشانه قدرت
 و توان آنها در اداره جامعه و یکی از نشانه‌های
 انگل بودن و مفت‌خور بودن آن عناصر
 مزدور وابسته به رژیم سابق بود. ما همه اینها
 را به تجربه دریافته‌ایم. بر ما ثابت شد که تنها
 شورای انقلابی کارگران است که هم مدافع
 منافع کارگران و نه کارفرمایان و هم قدرت
 کنترل و اداره امور را داراست.
 در زمان قیام سازمان چریکهای فدائی خلق

سخنان رفیق دانشگری

با درود به خلقهای قهرمان ایران

من رفیق دانشگری کاندیدای سازمان
 چریکهای فدائی خلق ایران برای دفاع از
 حقوق کارگران، دهقانان و کلیه زحمتکشان
 ایران در انتخابات مجلس خبرگان شرکت
 می‌کنم.
 فعالیت سیاسی من از سال ۲۷ شروع شد
 و سال ۲۹ سازمان پیوستم و سال ۵۰ توسط
 مزدوران رژیم سابق متکبر شدم طی سرتیگ
 شاهد دلوارها و قهرمانیهای زنان مبارز
 کشته‌ها، زخم‌ها، و این یکبار دیگر ثابت می‌کنند
 که بر خلاف تمام آون چیزهایی که تا الان
 بهما تحمیل کرده‌اند زکات می‌تونن در تمام
 زمینها پایا مردها شرکت فعالانه داشته
 باشند. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
 معتقد که قانون اساسی یک کشور که حاصل
 خوبیهای بی‌دریغ مردم باید حتما پاسگوری
 نیازهای اولیه و کلیه نیازهای ناموزن زحمتکشان
 کشور باشد و در مورد حقوق زنان معتقد،
 زن و مرد در حقوق اجتماعی باید برابرند در
 حالیکه قانون اساسی می‌گوید: زن و مرد در
 مقابل قانون باهم برابرند این سوال پیش
 میاد که: کدام قانون؟ منکنه قانون وضع شده
 که حقوق زنان رو نادیده بگیره، منکنه
 زنان رو غانه‌نشین بکنه، منکنه اصل مسکنه
 زوجات برای مرد رو محترم بگیره، منکنه
 حق طلاق رو از زن سلب بکنه و منکنه نذاره
 زن در فعالیتهای اجتماعی شرکت فعالانه
 داشته باشد. ما معتقدیم این قانون از اساس
 نابرابره و در اصل ۲۲ در حقیقت به‌پایه
 مادر بودن و زن بودن می‌خواد زن رو غانه
 نشین بکنه. ما معتقدیم در جامعه‌ای که عدای
 ارتش برابری استواره یعنی یک سده
 هستن که دائم می‌چاپن و یکمده هستن که
 دائم چاپیده می‌شن یکمده هستن که دائم
 زحمت می‌کنن: کارگران، دهقانان و همه
 زحمتکشان و یکمده هستن: زمینداران بزرگ
 و سرمایه‌داران که دائم می‌چاپن و دائم
 حاصل دستریغ دیگران رو به‌خارت می‌برن.
 این اساس جامعه مارو تشکیل میده و این
 نابرابری باید از اساس ریشه کن شه و برابری
 زن و مرد هم فقط وقتی قابل اجراء شه که
 این نابرابری از بین بره. به نگاه کوتاه به
 همین شهر تهرسون بنذاریم. شمال شهر و
 جنوب شهر مثل دو دنیا می‌مون: شمال شهر،
 خوباندهاش، زباهش و باصلاح‌مادرهاش از
 تمام امکانات برای پرورندن بچه‌های خودشون
 برخوردارن. چمخالشون از همون اول توی
 بهترین زایشگاهها بندیا میاد، در زیر نظر
 بهترین متخصصا رشد می‌کنه، بهترین مدرسه‌ها
 مرن، بهترین غذاها رومی‌خورن، بهترین
 لباس‌ها رو می‌پوشن و بعد به‌بهترین جاهای
 خارج از کشور می‌رسن برای تحصیلات
 دانشگاهیون و در حالیکه بچه‌های جنوب
 شهر دائم توی خاک و گل می‌فتند و حتی
 زمین برای بازیون ندارن، امنیت ندارن
 بهداشت ندارن، حتی یک بقول معروف در
 بنده ندارن. در حالیکه تو قیام‌کی شرکت

سخنان مصطفی مدنی

با درود به همه خلقهای قهرمان ایران

من می‌خواهم در این فرصت بسیار کوتاه
 را که به‌سر وقت همه ما مربوط میشود باشا
 مطرح نمایم.
 نمایندگان می‌رسند آیا مجلس شورای ملی
 معتبر است یا مجلسی که قانون اساسی را
 تصویب نکرده است می‌تواند کسی که این پیش
 نویس را تهیه کرده‌اند خودشان در اصل ۵۰
 قانون اساسی گفته‌اند در ۱۵۰ هزار نفر
 جمعیت ایران می‌توانند یک نماینده بمجلس
 شورا بفرستند باین ترتیب مجلس شورای ملی
 که می‌خواهد بر اساس قانون اساسی قوانین
 مادی را تدوین کنه مجلسی که اهمیت کارش
 بهمراتب کتر از اهمیت مجلسی است که می
 خواهد قانون اساسی را تدوین کنه. ۲۷۰

ما می‌گوییم همه زحمتکشان ایران، همه مردم ایران باید شغلی

داشته باشند هیچ کس نباید بی‌کار باشد. همه مردم ایران باید

مسکن مناسب و باید زندگی راحتی داشته باشند.

نمایند خواهد داشت. ولی مجلسی که می
 خواهد سیمت قانون‌گذاری ایران، اساس
 حکومت، حقوق تمام مردم ایران را تعیین
 کند، مجلسی باین معنی را می‌خواهند با ۷۵
 نماینده تشکیل دهند چرا؟
 چرا پیشنهاد سازمان چریکهای فدائی خلق
 ایران را که می‌گفت ۵۰ هزار نفر باید
 یک نماینده در مجلس موصان داشته باشند
 قبول نکردند؟
 برای اینکه می‌خواهند مخالفین این پیش
 نویس بمجلسی راه پیدا نکنند. می‌خواهند از
 پشت بلندگوی مجلس اصل به‌اصل قانون‌اساسی
 شکافته نشود و مردم از حقایق مطلع نشوند.
 آنها که از آگاه شدن مردم می‌ترسند مانع
 ورود مخالفین طرح پیش نویس بمجلسی
 شده‌اند. هرچند آیت‌الله طالقانی گفته‌اند ما
 باید از ورود مخالفین بمجلسی باک نداشته
 باشیم اما با این ترتیبی که بمسوط گرداندگان
 امور پیش گرفته شده است تمام کوششها به
 خاطر این است که مخالفین بمجلسی راه پیدا
 نکنند و بهادگی هر آنچه را که می‌خواهند
 تصویب کنند و کسی هم صدایش درلایا مردم
 از ماحت آن قوانین مطلع نشوند.
 سازمان چریکهای فدائی خلق ایران می
 گوید: در مجلسی که سیمت قانون‌گذاری و
 اساس حکومتی و حقوق مردم تعیین میشود
 باید نمایندگان همه مردم شرکت داشته باشند.
 چرا نماینده دهقانان را بمجلسی راه نمی‌دهند؟
 چرا نماینده کسب و پیشه‌وران را بمجلسی راه
 نمی‌دهند؟ چرا نماینده کارگران را نمی‌گذارند
 انتخاب شود؟ چرا نمی‌گذارند همه حرفشان را
 بزنند؟ از چه می‌ترسند؟ کسی که می‌خواهند
 سراسریت مردم زحمتکش جامعه را کلاه
 انحصار طلبی محض بسته این راه انداختن
 مجلسی است که مخالفه حقوق مردم به‌آرا ندارد
 نتیجه این حقه چه میشود؟ مثلا ترکن صبرا
 را با مادرش قاضی گرداند تا نمایندگان
 خلق ترکن حتی اگر رای همه خلق ترکن را
 بیاورند بازهم بمجلسی راه نداشته باشند. یا از
 جهاد ویرخی قهرمانی گرنشاه که مرضا
 خیره آذربایجان غریب تقی‌بندی شده کسی
 بمجلسی راه پیدا نکنند ما باید همه این‌ها
 را به مردم رژیم ما بدانند چه مجلسی می‌خواهد
 بجای آنها برایشان تصمیم بگیرد و حقوق
 آنها را خنثی کند.
 حالا ببینیم این انتخابات در چه شرایطی
 برگزار میشود؟
 در روزهای گذشته کثانی که حرف حساب
 را قبول ندارند کسی که کار دیگری جز
 پاره کردن اعلامها و بیانیه‌های نیروهای
 انقلابی و حمله به اجنات مردم و آتش‌زدن
 وزارت کتابخانه بلد نیستند به‌اصال ارتجاعی
 خود افزودند و هرچا که طرفداران طبقه
 کارگر و دهقانان هرچا که مدافعان مردم
 اجتماعی تشکیل دادند کسی کردند یا
 هوچیگری و پهاو، اجنات مردم را هم
 بزنه و اعلامیه و بیانیه‌های سازمان چریکهای
 فدائی خلق ایران را که برای آگاهی مردم
 به‌دیوار نصب میشده پاره کردند. مگر ما چه
 می‌گوئیم؟ ببینید سرمایه‌داران و عوامل آنها
 چقدر از حرفهای ما می‌ترسند؟
 ما می‌گوئیم همه زحمتکشان ایران همه
 مردم ایران باید شغلی داشته باشند هیچکس
 نباید بی‌کار باشد همه مردم ایران باید خانه
 مناسب داشته باشند همه مردم ایران باید زندگی
 بهی در صفحه ۳

پیش‌نویس قانون اساسی، بر ضد منافع کارگران، دهقانان، زحمتکشان و همه خلقهای ایران است

حقوق کارگران مرغداریها پایمال میشود

تومان استخدام میشوند و این در شرایطی است که شرکت سودهای سرسام آوری بدست می آورد (به ویژه در ماههای اخیر و بخاطر وجود بازار سیاه) در عین حال سرپرستان کارفرما که نقش چشم و گوش کارفرما را در واحدهای تولیدی دارند با حقوق ماهانه بیش از ۵۰۰۰ تومان از کله امکانات رفاهی و مسکن نیز برخوردارند. بعد از عید کارگران شرکت زهبال یکبار دست به اعتصاب زدند و

آمل - بعد از ظهر روز شنبه ۴ مرداد داود قلی پور کارگر لوله کش شرکت مرغداری زهبال هنگام نصب پنجه حقی چهار بسوق گرفتگی شد و بخاطر نداشتن لباس ایمنی جالسرد شد.
شرکت زهبال از جمله واحدهای گروه تولیدی «اینا» است که ۲۵۰ کارگر و ۲۵ کارمند دارد.
کارگران این شرکتها بیشتر فاقه منحصص هستند و با حقوق ماهانه ۱۲۰۰ تا ۱۴۰۰

اعتصاب ۴۰۰ کارگر کوره پزخانههای مراغه

مراغه - بیش از ۲۰۰ نفر از کارگران شش کوره پزخانه مراغه از روز ۲۸ تیر بخاطر کاهش دستمزد و اخراج چهار نفر از کارگران دست از کار کشیدند.
کارگران کوره پزخانههای این منطقه که قبلا در مقابل هر یک هزار خشت آجر ۷۵ تومان مزد دریافت می کردند در پی تقلیل دستمزدشان به شصت تومان در کوره پزخانه حاجی قدرت جمع شده و از کارفرما می خواهند که علت این کار را به کارگران توضیح دهد. کارگران

موفق شدند ماهانه ۱۰۰ تومان اضافه دستمزد بگیرند. عاملان کارفرما در شرکت مرغداری زهبال از جمله رئیس تولید و رئیس امور مالی و اداری در برابر خواستهای برحق کارگران مقاومت می کنند.
ضمنا کارگران برای گرفتن حقوق و مزایای «داود قلی پور» که بخاطر بی توجهی کارفرما و نبودن امکانات کشته شد تلاش می کنند.

اعتراض شدید کارگران شهرداری مشهد بخاطر مرگ يك کارگر

مشهد - یاد دیگر يك کارگر زحمتکش در حین کار، بر اثر نبودن وسائل ایمنی کار کشته شد.
روز شنبه ۲۶ تیرماه گذشته، محمد آدینه کارگر نقاش شهرداری مشهد که مدت ۲ سال در این کارگاه کار کرده بود هنگامی که در داخل يك تانکر آب نشانی مشغول به کار بود ناگهان تانکر بود برای اتصال پسر و انفجار تانکر به بیرون پرت شد و بلافاصله جان سپرد.

در پی این حادثه مسئول کارگاه از ترس کارگران فرار می کند و شهردار مشهد نیز که بمسئول آمده بود با اعتراض شدید کارگران روبرو می شود و مجبور به ترک محل می شود. اعتراض شدید کارگران بخاطر این بود که مشابه این حادثه چند بار دیگر در کارگاه شهرداری اتفاق افتاده و منجر به مرگ و یا نقص عضو کارگران شده بود.
سؤال کارگران این است که آیا اگر مسئولان شهرداری مشهد برای حفظ جان کارگران ارزشی قائل بودند و مسئول کارگاه و وسائل ایمنی لازم را در اختیار کارگران می گذاشت این حادثه اتفاق می افتاد و مادر پسر و حسر و فرزند چندماهه «محمد آدینه» بی سرپرست می ماندند

اتحاد برای ابقای

مدرسه عالی مدیریت لاهیجان

در پی اعتصاب کارگران و کارکنان مدرسه عالی مدیریت لاهیجان بدلیل تطویل کردن این مدرسه عالی، اطلاعیه هایی از طرف شورای هماهنگی مدرسه عالی مدیریت لاهیجان و همچنین کارگران و کارکنان این مدرسه عالی انتشار یافت.

در پی این اطلاعیه ها ضمن شرح تاریخچه این مدرسه عالی و نقش آن در جنبش دانشجویی در زمان قیام و نقش اقتصادی و فرهنگی در منطقه گفته شد: «...با پیروزی جنبش و روی کار آمدن دولت انقلابی، امید دانشجویان و کارکنان و اساتید این موسسه منب بر بازسازی و گسترش مدرسه عالی بسیار گت بخصوص با توجه به مشکلات دولت انقلابی از نظر تصد فراوان فارغ التحصیلان دیلم بیکار که این مدرسه عالی میتواند در سطح منطقه قسمتی از این مشکل را حل کند و در ضمن به اقتضای شرایط شهر کمک نماید. انتظار حیرت که دولت هر چه سریعتر درباره بازسازی این مدرسه عالی اقدامی بعمل آورد در تاسهائی که بدنال این رابطه با وزارت علوم بصل آمد وزیر علوم مسئله را به دانشگاه کیلان موکول نمود که بملت دیگر بیهائی داخلی دانشگاه کیلان بازم مسئله پذیرش دانشجویان مسوق مانده»
کارگران و کارکنان و استادان این مدرسه عالی در پایان اطلاعیه های دیگری اعلام داشتند: «ما پیمان بسته ایم که تا به زندگی روبه مرگ این محیط آموزشی جان تازه ای نبخشیدیم از با نشینیم. برای این منظور دانشجویان از امتحانات خود سرفظز کرده اند اسانه از پستهای بهتری که در انتظارشان هست چشم پوشیدند و کارکنان شریف ما با تمام فشاری که بر زندگیشان وارد می آید با کسر نداشته، همگی برای احیاء این کانون علمی و فرهنگی بسیج شده اند.
ما اعتقاد داریم دست در دست هم اهقای مدرسه و پذیرش دانشجویان برای همراهی را سبیل خواهیم کرد و در آینده نه چندان دور دانشکده ای نمونه (در شهرستان لاهیجان) خواهیم داشت.

سخنانه مهدی حاج قاضی تهرانی

کاندیدای سازمان کارگران پیشرو تهران

درد و سلام بهمه دوستان کارگر و رنجبر ایران
قبل از ورود به بحث مربوط به پیش نویس قانون اساسی و نظر سازمان کارگران پیشرو ایران و اینکه از طرف آن سازمان بنسوان کاندیدای نمایندگی مجلس خبرگان مرفعی شدم لازم می بینم بطور اختصار خود را معرفی کنم.
اینجانب مهدی حاج قاضی تهرانی درسال ۱۳۳۳ در تهران در يك خانواده روحانی متولد شدم از ۱۲ سالگی تاکنون مشغول بکار هستم. از کار در معدن، کار در بخش خصوصی، مدت زیادی در کارخانه سیمان تهران، و در حدود ۱۵ سال در این کارخانه که اخیرا مشغول به کارم، کار میکنم. ازنال ۱۳۲۲ در فعالیت های اجتماعی شرکت داشتم، وجماکون نیز در سازمان کارگران پیشرو به فعالیت اجتماعی مشغولم. چندبار از طرف رژیم سابق دستگیر شده و آخرین بار در آذرماه سال ۵۱ تا آبان ۵۲ زندان افتادم و ششدهشتتنه ششماهه را متحمل شدم و اینک منتظرم که از جانب سازمان کارگران پیشرو به عنوان کاندیدای نمایندگی آن سازمان نقشه نظرهای آن سازمان را در مورد پیش نویس قانون اساسی عرضه بندارم. پیش نویس قانون اساسی که شامل ۱۵۱ اصل است و در تمام این ۱۵۱ اصل فقط در يك اصل یعنی ماده ۲۶ این پیش نویس ذکر مختصری از کارگر شده است. در حالیکه همانطور که میدانیم در قیام مردم ایران نیروی عمده ای که در این قیام شرکت داشت کارگران و زحمتکشان بودند که لازم بود صدافراقتهای عمده ای از این قانون به نفع کارگران و زحمتکشان تدوین شده باشد. لیکن در اصل همین وجهه این قانون مدافع کارگران نبوده و نیست. من به چند مورد که از نظر سازمان کارگران پیشرو لازم به بحث در اطراف این قانون هست توضیح و یادآوری میکنم:

۱- ابتدا در مورد حق کار محبت میکنم. قیام بوده و زحمتکشان در دوره اخیر بخاطر تغییر شرایط زندگی و بهبود آن یعنی بر خورداری بیشتر از مواهب جامعه بود. زحمتکشان و کارگران که در زمان استبداد سلطنت کشته در حبس آبدارها و حبس آبدارها و کاغذآبدارها، چاهریشنی بی توت میگردند، در قیام شرکت فعال داشتند و پس از پیروزی برارتجاع گنشته می بایستی حداقل از مسکن محقری برخوردار شوند. و کرایه های مسکن آنان کم شود و یا خانه های فراریان رژیم در اختیارشان قرار گیرد. کارگران محروم از همه چیز بخاطر آن، در قیام شرکت کردند تا بتوانند اشتغال خشی که بر آنان روا میگردد اقلا پس از قیام تبدیل و از شدت آن کاسته گردد. لیکن در اصل نه تنها از تغییر این روابط خیری نیست بلکه دولت از کارگران و زحمتکشان انتظار کار بیشتر و مزد کتری دارد که پول بیشتری به بیج سرمایه داران سرازیر شود. تا آنها بتوانند با خوردن شیر جان کارگران و زحمتکشان به تفریحات و عیاشی در کشورهای دیگر ادامه دهند.

توده های محروم جامعه که در قیام شرکت کرده و رژیم منحوس گنشته را به زباله دان تاریخ فرستادند انتظار آن داشتند که پس از گذشتن از مرحله قیام از حاصل کار و زحمت خود بهره بیشتری برده و از خورد و خوراک و پوشاک و فرهنگ و استراحت و تفریح در خور يك انسان برخوردار گردند. لیکن در عمل چنین که می بینید نه تنها شرایط گنشته تغییر نکرد بلکه بر اثر افزایش هزینه کمرشکن زندگی شرایط زندگی کارگران ناغل از گنشته نیز عقبتر رفت. در شروع قیام عمده زیادی

سخنانه کاندیداهای سازمان...

وحت دارند آنها میدانند که سازمان چریک های فدائی خلق ایران هدفش آگاه کردن کارگران، دهقانان و زحمتکشان و اتحاد آن عاست و بخوبی میدانند که آگاه شدن شا و اتحاد همه ما یعنی پیروزی زحمتکشان آزادی زحمتکشان یعنی آزادی همه مردم مستبدانه و نابودی سرمایه داری یعنی ازین رفتن استعمار. همین دلیل همیشه سعی می کنند با پیرو برداری و همت پراکنی این فکر را در شا بوجود آورند که نیروهای انقلابی و مدافع مردم، اولی امروز کارگران و زحمتکشان آگاه ما اخلاکگر و وایت بکنورهای خارجی هستند، ولی امروز کارگران و زحمتکشان آگاه ما بخواهی میدانند که فدائیان خلق ایران، مدافعان راستین طبقه کارگر از میان زحمتکشان ایران ر ساخته اند.

خلق های دلاور ایران! فریب تبلیغات سرمایه داران و قربانیان سرمایه داری را نخورید. فریب تبلیغات آن کسانی که از آگاه شدن تودما و از اتحاد ما می ترسند نفورید. حتما یادتان هست که رژیم شاه از طریق همین رادیو - تلویزیون ما را خرابکار، اخلاکگر و وابسته به بیگانه و دشمن شا معرفی میکرد اما با توجه برای همه شا ثابت شد که این شاه و سرمایه داران وابسته بودند که نوکر سرسردیدگانه و دشمن همه ما بودند و با توجه به تبلیغات با محور کلی از جان زحمتکشان خلق کوتاه شود ما میگوئیم پیش نویس قانون اساسی هیچ یک از این حقوق مردم را در نظر نگرفته و بر عکس مالکیت سرمایه داران را بر کارخانه ها، شرکتها و زمین های بزرگ پذیرفته است. سرمایه داران و عوامل آنها خوب میدانند ما چه میگوئیم و با چه کسی دوست و با چه کسی دشمن هستیم. آنها عدلی را بکار گرفته اند تا با تبلیغات دروغ خود از احساسات پاک برخی از جوانان ما و از احساسات پاک منتهی مردم سوء استفاده کنند و نگذارند صدای ما بگوش مردم برسد. در زمان نمان کاندیدای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، دکتر فردوس چندینی رودباری که حواسش به مردم نیست صحبت کرد. حواسش به مردم نیست صحبت کرد. حواسش به مردم نیست صحبت کرد. حواسش به مردم نیست صحبت کرد. حواسش به مردم نیست صحبت کرد.

پادمان باشد که هنوز قدرت در دست سرمایه داران است، حالا هم هر وقت فرصت می کنند دوباره با دروغهایی که از همین رادیو - تلویزیون پیش می کنند سعی دارند ما را از هم جدا کنند. نمونه های این تلاش ها را در روزهای گذشته دیدیم و از این پید هم خواهیم دید. ما اطمینان داریم که سرمایه داران، برای جلوگیری از اتحاد ما و بسرای جلوگیری از آگاهی شا سعی خواهند کرد بر علیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران تبلیغ کنند و دروغهای باخدار سازند. بنابراین که هر وقت بر علیه سازمان چریکهای فدائی

ما می گوئیم دست سرمایه داران وابسته و زمین داران بزرگ باید از جان کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان کوتاه گردد.

خلق ایران تبلیغ کردند در واقع دارند بر علیه همه مردم ایران توطئه می کنند. اگر امروز مجبور شده ایم بخاطر فشار نیروهای انقلابی و برای حفظ ظاهر چند دقیقه ای از وقت رادیو را به اختصاص بدهند اما می دانیم که بلافاصله پس از انتخابات، تبلیغات کاذبی خود را علیه ما آغاز خواهند کرد. بنابراین چه فردا، چه يك ماه دیگر و چه يكسال دیگر هر وقت بر علیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران سپاشی و دروغ پردازی کردند، حرف های امروز مرا بخاطر آورید. فدائیان خلق فدائی همه کارگران، دهقانان، فدائیان زحمتکشان و فدائی همه مردم مبارز ایران هستند. در طول ۹ سال مبارزات خونین خود و با دادن صدها شهید این را به اثبات رسانده ایم. ما با خون خود با مردم بیجان بسته ایم. ما دشمن آشتی ناپذیر سرمایه داری بزرگ و امپریالیسم هستیم. بنابراین سرمایه داری هر وقت مناسب تشخیص دهد بر علیه ما تبلیغ خواهد کرد.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا
هر روز با مبارزات حق طلبانه خلقهای ایران با درود بهمه خلقهای ایران مصطفی مدنی کاندیدای سازمان چریکهای فدائی خلق از تهران

پیش بسوی ایجاد و تقویت شوراهای واقعی

با حمله به متینگ و ورتاب سنگ و پار - آجر شترانی را به سمت زده خوردند. بدلی کردند. این اخلاکگرها، این نقای افکنها و این شاهیه سازهایی بنوع کیست؟ این کارها فقط و فقط بنفع سرمایه داران بزرگ و امپریالیستها تمام میشود و بزبان همه مردم ایران است.
مردم دلاور ما تنه آگاه شدن هستند، می خواهند هم چیز را بنهند، میخواهند دولت و دشمن خود را بنشانند، اما سرمایه داران که از آگاهی و اتحاد مردم و حجت دارند کارشکنی می کنند. پرسش ما این است که چرا دولت که ادعا می کند آزادیها را قبول دارد، و قتلایین اتفاقات می افتد اخبار را تحریف و جعل می کند و هیچ وقت حاضر نمیشود این اخلاکگران را محکوم کند

مطلب دیگری هست که میخواهم بگوش همه هم بینان، بگوش همه کارگران، دهقانان و همه زحمتکشان ایران، بگوش همه زنان و مردان ایران برسد. توجه کنید من بنسوان يك فدائی خلق، يك فدائی زحمتکشان، پیامی دارم که از همه شا می خواهم به آن گوش کنید و هیچ وقت فراموش نکنید.
سرمایه داران و زمینداران بزرگ همیشه سعی دارند گفتار صدای ما بگوش شما و صدای شا بگوش ما برسد
سرمایه داران از تردید شدن ما با شا

پیش بسوی ایجاد و تقویت شوراهای واقعی

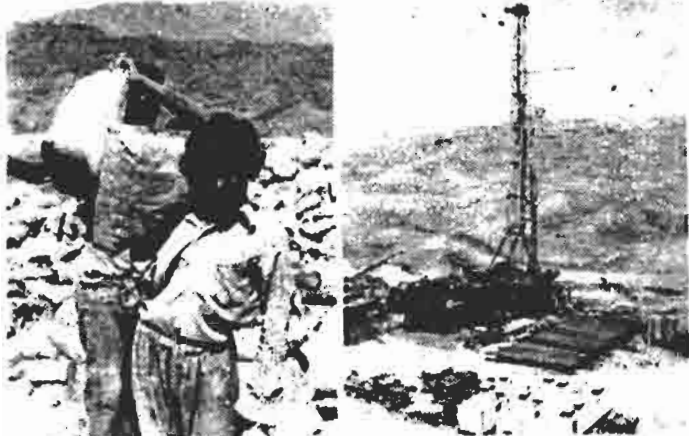
نامه يك كارگر اخراجي:

«دولت باید بداند که نمیتواند جلوی حرکت تاریخی کارگران را بگیرد»

این نامه يك كارگر است که مانند صدها هزار كارگر ديگر بر اثر بيكاري گرفتار فقر و تنگدستی است. در حالیکه دولت میلیاردها ریال به سرمایه‌داران کمک می‌کند و قراردادهای خرید اسلحه از آمریکا را ابقا می‌کند، کمترین توجهی به توده‌های میهن‌مانی‌شود و هنوز تعدادی از کارگران در بيكاري بسر می‌برند.
من بعنوان يك كارگر این نامه را برای شما می‌نویسم:
نمی‌دانم از کجا شروع کنم مدت سه ماه است که از کار اخراج شده‌ام در طول این مدت رنجها و دردها کشیدم درست است که آدم باید در برابر هر سختی مبارزه کنولی

نمی‌دانم چکار کنم از بيكاري واقعا سخت شدم.
وقتی که از دردهای غصوم صحبت می‌کنم. بمن حمله می‌کنند که چرا دم از مشکلات کارگری می‌زنی، شما نفاق‌افکن هستید و هزاران تهمت ناروای دیگر می‌زنند. من خوب میدانم آنهايي که فلا خودشان را انقلابی جا زده‌اند و مارا ضد انقلاب می‌دانند چه کسانی هستند اینها اغلب همان‌کسان هستند که در رادیو تلویزیون سخنانی می‌کنند و بعد از گفتن چند جوک مثل علی‌بابای زمان شاه و بعد شروع می‌کنند و مسائل کارگری می‌گویند که هرکس شورا یا سندیکا تشکیل دهد ضد انقلاب است و یا می‌گویند مگر دولت

روی گنج نشسته است. نمی‌دانم بودجه دولت از کجا تامین میشود. از کجای آقای بازرگان، بزدي یا آمریکاییها، مگر جز این است که هرچه دولت دارد و سرمایه‌داران دیگر همه اینها مال کارگر و دهقان و زحمتکشان است دولت بازرگان باید بداند که کسی نمیتواند جلو حرکت تاریخ را بگیرد ما کارگران با مبارزه چند ساله و بویزه یکسال گذشته با بازوی توانای خود کمر بزرگترین دیکتاتور تاریخ یعنی شاه خائن را شکستیم و دولت بازرگان هم اگر بشواید مثل شاه خائن با ما کارگران رفتار کند باید بداند که کمر او را هم خواهیم شکست.



کارگران شرکت‌های حفاری:

خواستار مصادره کامل دکلهای و تاسیسات حفاری شرکت‌های خارجی هستند

از خروج دکلهای حفاری که با پول و عرق ما خریداری شده‌است جلوگیری کنیم

بعد از انقلاب حکومتداری خلق‌های ایران، شرکت‌های امپریالیستی چون منابع خود را در خطر دیدند بعد از سالها غارت ثروت‌های ایران با شتاب طبق يك برنامه حساب شده با همکاری عناصر مرتجع داخلی که ماهیتشان برهه روغن است، درحال خارج کردن اسلحه خود از کشور هستند که به احتمال زیاد تاکنون چند دکل حفاری با تمام تجهیزات از کشور خارج شده این شرکت‌ها با کارگران محروم و زحمتکش مانند بردگان اجیر شده رفتار می‌کردند و حال هم با وجود ملی شدن صنایع وابسته و استعاری (البته در حرف) بهر شکلی که بخواهند، کارگران را اخراج و سرگردان می‌کنند و شرکت ملی و دولتی به اصطلاح انقلابی هم هیچ مسئولیتی در قبال آنها که قبول نمی‌کند هیچ، تازه از صاحبان این صنایع امپریالیستی حمایت هم می‌کنند. وقت این کارگران برای اخراج حق عسود اجتماع می‌کنند یا سرلیزه پاسداران منفرق می‌شوند حال این کارگران در این شرایط سخت که مملکت دچار رکود اقتصادی و تورم می‌باشد چه کار باید بکنند معلوم نیست!

برهه واضح است که این شرکت‌های چپاولگر چند برابر قیمت دکلهای خود ثروت ابراز مملکت خارج کرده‌اند و با کمک رژیم سابق تا آنها که توانسته‌اند خود زحمتکشان را میکشاند و استثمارشان کرده‌اند شاهد این گتتها کارگرانی هستند که در زیر طاقت

نامه يك كارگر كوره‌پزخانه:

برای سرکوب کارگران اعتصابی آنها را به جرم اخلاک‌گری بازداشت می‌کنند

رفقای کارگر اگر ما کمی به اطراف بینیم می‌بینیم که چگونه عوامل وابسته به کارفرما و خود کارفرمایان ما را استثمار می‌کنند. یعنی روزی ۱۲ ساعت کار را با تمام محمول کرده مارا از وسایل بهداشتی - مسکن - پوشاک - خوراک و غیره محروم کردند با وجود این ناراحتی باز ما می‌خواهیم برای مدت بیشتری در دست آنها اسیر باشیم و برای آنها جان خود را از دست بدهیم. اما آنها می‌خواهند که یکبارچه مارا استثمار کنند. من بهرچه چند نفر از رفقای کارگر در حدود ۴ روز است که دست از کار کشیدیم و علت اینکار همین نکردن دستزد ما از طرف کارفرما بود. و ما چندین بار به کارفرما گفته‌ایم که باید دستزد مارا تعیین کنند ولی کارفرما هنوز جواب قاطعی نداده است. به همین علت ما در تبریز به کمیته امام و اداره کار و امور اجتماعی مراجعه کردیم ولی آنها هم بهما جواب ندادند و گفتند که شما کارگران باید زیاد کار کنید و در پایان سال که میزان کار شما معلوم شد دستزد شما دانه خواهد شد. ولی ما در جواب گفتیم که ما کارگران کوره‌پزخانه‌ها روزی ۱۷ ساعت کار می‌کنیم و باید حق ما تعیین شود. ما این همه کار می‌کنیم و زحمت می‌کنیم چرا باید در پایان سال دستزد ما را بدهند. او گفت اگر شما روزی ۲ و یا ۲۴ ساعت کار بکنید در حال شما زیاد اثر نمی‌کند و موثر واقع نمیشود و اگر در روز يك ساعت هم بکنید به اندازه همان يك ساعت پول میگیرید. من

نامه يك كارگر كشيباف:

دمیخواهند از مذهب بعنوان سپرپوش بر روی استثمار و زدبیهای خود استفاده کنند

با سلام بهموظفان عزیز و به امید روزی که بتوانیم امپریالیسم و نوسکراسی آن را از سخته گیتی بهزبالدان تاریخ انداخته و خلق‌های ستمکش را از چنگال ستمگران زالوست رها کنیم و زندگی نوینی را در شرایط مساوات و برابری برقرار نماییم.
من کارگر کشیباف یکی از کارگاههای کشیافی خیابان ظهیرالاسلام هستم. چند ماه پیش اتفاق در اطراف کارگاهمان افتاد که تفریق آن برای کارگران و مهمانان دیگر بیفایده نخواهد بود و نیز گوشه‌ای از ستمکاریهای سرمایه‌داری را که بر کارگران می‌روند نشان خواهد داد.

يك روز که مشغول کار بودم متوجه سرو صدایی از بیرون کارگاه شدم. در بیرون کارگاه زنی که کارگر کارخانه توسکابود فریاد می‌زد و کمک میخواست و فریاد می‌زد «بجانت بدهید بیچاره را کشته‌اند من و چند تن دیگر خود را به بیرون کارگاه توسکا رساندیم سخته خیلی ناراحت کنستند ما را متقاعد کردیم صاحبان کارگاه حسین وطنی و روح‌الله تهرانی یکی از کارگرهای بافنده خود را بهزیر مشت و لگد انداخته و می‌زنند. ما کارگر را از چنگ آنها بیرون آوردیم و با خود از کارگاه بیرون بردیم. از کارگر سرسورتن ورم کرده بود. با چشمانی که اشک در آنها حلقه زده بود گفت: برای اینکه زور می‌گیرند من کارگر کارمزم یعنی به تعداد کاری که تولید میکنم مزد میگیرم. بعد از شش هفت ماه بیكاري تازه دو هفته است که مشغول کار شدم امروز يك وانت مواد پنج آوردند و بهم گفتند برو کارتن مواد را ببار بالا. من در جواب گفتم من کارگر کارمزم و اگر بروم کارم می‌ماند. آنها هم ناراحت شدند و ریختند سرم و کتک زدند. بعد از گفتن این حرفها سرش را پائین انداخت و رفت. تا اینکه چندی پیش او را در ایستگاه اتوبوس دیدم. پرسیدم چیکار کردی گفت از کارگاه بیرونم کردند. و گفتم میخواستی شکایت کنی. گفت کی به کارمزم و اگر بروم کارم می‌ماند. رفتند شکایت کردم. گفتند برو دوماه دیگر بیا. نمی‌دونم پارتی بازی کردند یا رشو دادند! بعد فهمیدم احتیاج به رشو دادن و پارتی بازی نیست. کمیته‌ها و دولت از آنها دفاع میکنند. خلاصه دوماه بعد رفتن و بجای رسیدگی میخواستند محکوم بکنند و دوباره گفتند برو دوماه دیگر بیا.

از او پرسیدم کار پیدا کردی گفت: کار گیر نمی‌آید. باز پرسیدم زن و بچه‌داری گفت: بله زن و بچه دارم در همین وقت اتوبوس رسید و او در حالیکه طرف اتوبوس میرفت گفت: این کمیته‌ها راست می‌گویند. پرسیدم چرا؟ او گفت: آخر میدونی کسانی مثل وطنی و تهرانی از مذهب سوءاستفاده میکنند و می‌خواهند مذهب را بعنوان سپرپوش بر روی استثمار و زدبیهای خود استفاده کنند. و بعد از گفتن این حرف سوار اتوبوس شد و رفت.

نامه‌ای از بندر دیلم:

گذشت پنج ماه از قیام، اکثر دهقانان از داشتن زمین محرومند

سلام رفقا
سلام مرا از فرستگها دور پیچید. این نامه را من از بندر دیلم. شهری گرم و سرزدهن کار و خون می‌نویسم. نمی‌دانم چه بگویم و از کجا آغاز کنم ولی بهر حال خطاب را به شما دارم. با این که پنج ماه از انقلاب می‌گذرد و اکثر دهقانان و کشاورزان این منطقه از داشتن زمین محرومند و بقول یکی از دهقانان ۷۵ درصد زمینهای ما متعلق به کسانی است که در کارهای اداری و در شهرهای دیگر بسر می‌برند. وهما نظوری که در رژیم سابق بنا اجازه کار در آنها را نمی‌دادند امروز نیز بسا می‌گویند که حق کار کردن در این زمینها را ندارند و بسا

مراجعات مکرر به کمیته‌ها گته‌اند که هنوز موقع این کارها نیست. در دیلم نیز کسه شهری است با تقریباً دوازده تا سیزده هزار نفر جمعیت. مردم آن از اسطالت و ازبوق محرومند و آب آن نیز پنج روزی یکمرتبه آنها برای چند ساعت باز میشود. شاخودتان را جای آنها قرار دهید چطور میتوان در چنین آب و هوایی آنها در تابستان و بسا وجودی که شاید ۳۵ درصد مردم آن از این حقم محرومند چطور میتوان سیرانقلابی داشت و دم برنیآورد، و بسیاری خواستهای دیگر...

به امید پیروزیمان

جواب به نامه‌ها

رفیقای نامه‌های برابیان نوشته و از ما خواست که نامه‌اش را بنا بدلالی چاپ کنیم او نامه‌اش را با عبارت «به نام دهقان پینه بسته کارگر و پیشانی چروکیده دهقان که هر دو نشان رنج است» آغاز کرده از مشکلات و مسائل خود و خانواده‌اش سخن گفته است که البته همه مسائلی که او بازگو کرده تنها مسائل و مشکلات شخصی او نیست بلکه بیان زندگی واقعی میلیونها دختر نظیر او در نظام طبقاتی کنونی است.
دختران و زنان زحمتکش میهن‌مان لهتها مانند سایر برادرانشان تحت ستم و استثمار هستند بلکه تحت ستم بیشتری به خاطر زن بودنشان نیز می‌باشند. زنان از حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برابر با مردان برخوردار نیستند. و هواره تغییر می‌خوانند. پدر رفیقای که نامه نوشته است نمی‌گذارد او کتاب مطالعه کند و باو می‌گوید «چون تو نان خور من هستی باید عقاید من را داشته باشی» که نشانه تحمیر فکری پدر او می‌باشد اگر قرار بود همه فرزندان مانند پدرانشان فکر کنند آتوقت جامعه از پیشرفت و تکامل باز می‌ماند.
البته رفیقای نویسنده نامه بدستی این مطلب را دریافته است که نباید تنها بنگر خودش باشد و فقط خود را از مشکلات برهاند بلکه باید همه جامعه از قید محال و بدبختی‌ها و ستم و استثمار رها شود تا او نیز مشکلات حل گردد. و به این نتیجه رسیده است که: «میدانم شما نمی‌توانید بمن یکتفر کمک کنید تنها وقتی این ممکن می‌شود که ما به جامعه سوسیالیستی و پس از آن به جامعه کمونیستی برسیم و من دلم میخواهد در راه این هدف مبارزه کنم و آری میخواهم مبارزه کنم»

تشکیل اتحادیه سراسری شوراهای کارخانجات سازمان گسترش

سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران ۱۳۵۰ کارخانه و شرکت با ۴۵ هزار کارگر و کارمند را زیر پوشش دارد
* بررسی قراردادهای سازمان گسترش با موسسات خارجی و داخلی، میزان سرمایه‌گذاریها، ایجاد صندوق مشترک احتیاجات و

کلیه بدهیها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان و کارمندان جزء دیگر



نقد و بررسی گزارشی از اعتصاب... بقیه از صفحه ۸

واکنش نشان نمی‌دهند. کارگران که با بسی احتیاجی مسئولین روبرو شده‌اند در جلوی در ورودی حرکت به تظاهرات می‌نمایند و از ورود و خروج کامیونها جهت پارکبندی جلوگیری می‌کنند. نماینده استاندار خوزستان و فرماندار خرمشهر ضمن تأیید اعتصابات با آنها قول رسیدگی می‌دهند. روحانیون محلی در ملاقات با کارگران به آنها در مورد نفوذ اجانب هشدار می‌دهند. دولت برای فریب کارگران مصلحت‌محلی شرکت را عوض می‌کند. مدیر عامل جدید خود را مجاهد و انقلابی می‌زند. ولی کارگران او را افشا می‌کنند. مرتجعین محلی و عوامل پیمانکار دست به تبلیغات وسیعی بر علیه کارگران می‌زنند و طعنه‌ها را علیه اعتصاب کارگران از جانب مقامات مسئول، رادیو، تلویزیون، پخش اخبار دروغین و تحریک‌آمیز بر علیه کارگران دست می‌زنند. تاجر و بازرگانان برای حفظ منافع خود کارگر روزمزد استخدام می‌کنند و توسط آنها پارکبندی و تخلیه کالا را شروع می‌کنند. در طول اعتصاب، کارکنان پیشگاه خرمشهر، کارگران پروژه‌های آبادان و کارگزاران و کارمندان ادارای عمومی خرمشهر ضمن تأیید اعتصاب کارگران اعلام همبستگی می‌کنند.

در این روزها مخالفت دولت با حسن خودمختاری خلفا و توطئه سازمان یافته مرتجعین محلی و حال امیرالایم وضع خرمشهر را پشیمانی می‌کند. بدینجهت کارگران که دواجر اعلام راهپیمایی کرده بودند، سر بار پهلوی وضع ناآرام شهر و امکان سوء استفاده از این عمل در جهت وارونه‌چلوه دادن حقایق، از تصمیم خود منصرف می‌شوند. در حالیکه در شهر عناصر مرتجع از مسئله عرب و صیغ برای منصرف کردن مبارزان زحمتکشان استفاده می‌کنند کارگران متحمس با بی‌بردن به حمایت نفاق‌افکنانه اینگونه تبلیغات می‌گویند: «عرب و صیغ هیچ فرقی ندارند. یک روز در نطقه، ترک و کرد را بجان هم می‌اندازند و مردم را به کشتار می‌کشند و امداد می‌کنند. امروز مسئله عرب و صیغ را در خرمشهر علم کرده‌اند. اینها همان کسانی هستند که می‌ترسند منابع رزقشان را از دست بدهند مارا می‌خواهند بجان هم بیاندازند. خیلی باید هشدار باشیم. ما همه با هم برآیم. با همان صیغی عرب را می‌رانند که صیغ را. عرب و صیغ هر دو یک صورت و خیلی و حقیقتاً اشتراک می‌کنند پس باید دست در دست هم مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع ادامه دهیم».

بعد از ظهر روز بیست و سوم دوشنبه در ورودی شرکت به قتل می‌رسند. با کشته شدن نگهبانان، درگیری شروع می‌شود در این زمان کارگران اجباراً ضمن را شکسته و شرکت را ترک می‌کنند.

بعد از گذشت ۳۶ روز از شروع اعتصاب، با عادی شدن اوضاع شهر و بازگشت کارگران به عمل کار خود نمایندگان کارگران در مذاکره با فرماندار به توافق رسیده‌اند که کارگران با حفظ خواسته‌های خود برنگردند.

گزارش حاوی مطالبی درباره «بررسی عمل بازگشت بکار»، «نظری به اعتصاب» نیز هست. ولی از آن جا که قصد بررسی و نقد حرکت کارگران است از فکر آن مطالب خودداری می‌کنیم و بسند و بررسی آن می‌پردازیم:

الف: در قسمتی از گزارش که ما بر آن تأکید کرده‌ایم این عبارات نوشته شده است: «از آنجا که در شرکت ایران ترمینال تولید و توزیع و فروش بهیچوجه مطرح نیست... و از آنجا که ارتباط پیوسته بین کارگران این شرکت بخاطر ویژگی کار پراکنده آنها، نبود، شورا نمی‌توانست پاسخگوی مشکلات کارگران در سطح وسیع باشد».

درین عبارات دو دلیل برای رد شورا ذکر شده است که هر دو غلط است.

۱ - تولیدی نبودن شرکت: اولاً، شوراها بهیچوجه مخصوص واحد های تولیدی نیست. ثانیاً، میدانیم که مشکل عمده اکثر کارخانجات تولیدی (مثلاً کارخانه لایف) اولاً: تهیه مواد اولیه کارخانه است (که اکثر آنها از خارج وارد می‌شود) و ثانیاً:

توضیح...

در شماره قبل نشریه کار سنی در مورد شرکت رینگ اندینتس آورده شده بود که این سند اشتباه چاپ شده بود. در واقع سنی که به عنوان حقوق ماهانه کارکنان توجیه کرده‌اند

نحوه برگزاری انتخابات مجلس «خبرگان» نیز گامی دیگر در جهت پایمال کردن حقوق دمکراتیک...

بقیه از صفحه ۱

۲ - دومین جنبه ضد دمکراتیک نحوه انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی استانی کردن حوزه‌های انتخاباتی بود. با این ترتیب استانی مثل تهران را با ۵ میلیون نفر جمعیت یک حوزه فرض کردند و برای آن دنایند قرار دادند و یا استان ۲۵۵ میلیون نفری مازندران را یک حوزه در نظر گرفتند و برای آن ۵ نماینده تعیین کردند. به این ترتیب حقوق مردم محلی و خلقی را بشدت پایمال کرده و امکان نمایندگی آنها را از بین بردند. فعلاً همین استان مازندران را در نظر بگیریم. این استان مطابق تقسیم‌بندی کشوری شامل منطقه خلقی ترکمن صحرا نیز می‌شود که از نظر خصوصیات ملی و قومی کاملاً با سایر ساکنین مازندران تفاوت دارند. پرواضح است که خلق ترکمن خواستار آن بود که نمایندگان خود را به مجلس بررسی قانون اساسی بفرستد و این خلق را به مجلس آنهاست. اما با این ترتیب که داده شد و خلق ۸۰۰ هزار نفری ترکمن جزو استان مازندران با ۲۵۵ میلیون جمعیت به حساب آمد علاوه جلا راه یافتن نمایندگان خلق ترکمن را به مجلس خبرگان گرفتند. در حالیکه اگر منطقه ترکمن صحرا یک حوزه محسوب می‌شد و یا انتخابات بر اساس شهرستانها بود، و خلق ترکمن بطور طبیعی می‌توانست در همین مجلس، با همین شرایط دوناپند خود را به مجلس بفرستد.

قابل تذکر است که این تقسیم کشوری در زمان رژیم پهلوی صورت گرفته و دقیقاً عدلی بوده و با هدف از بین بردن هویت خلقهای تحت ستم ایران انجام گرفته در موردکردستان هم عین این سیاست را اصال کردند، حال دولتی که مدعی است معیارهایش با رژیم گذشته تفاوت دارد همان شیوه گذشته را در پایمال کردن حقوق خلقهای ایران به کار برد و به کار می‌برد. مردم بدرستی ماهیت دولتها را از عملکردهای آنان استنباط می‌کنند و وقتی می‌بینند عملکرد هیئت حاکمه کنونی هم‌چیزی جز سیاست پایمال کردن حقوق خلقها و طبقات و افتار زحمتکش نیست. بنابراین حق دارند تفاوت کنند که ماهیت این دولت هم تغییر چندانی نکرده است. همان سیاست دوز و کلاک، توسل به شیوه‌های غیردمکراتیک و سرکردگی کثیفه داران.

۳ - سومین اشکال لایحه انتخابات مقررات مربوط به تشکیل هیئت نظارت بر انتخابات و نحوه عملکرد آن بود. این مقررات طوری

۱۴ مرداد یاد آور انقلاب مشروطه بقیه از صفحه ۱

سرداری ستارخان، مقاومت کردند، کشته‌دادند و بالاخره جنبش را از تبریز براساس ایران سرایت دادند و آنها بودند که برترید و دو دلی سیهبد اعظم تکتانی فاتح آمدند و اورا امداد کردند که بدینا آنها در فتح تهران شرکت کند و بالاخره آنها بودند که در جنگ با محمد علی شاه تا آخرین قطره خون خود چنگیدند، اما نمره آن را ثوردا لهما و سرمایه داران بردند. آنها با سازش با یکدیگر و نیز با امپراطورهای روس و انگلیس دواجر قدرت را در دست گرفتند و برتوهمها تاخندند.

حقیقت آنستکه بورژوازی تجاری با تکیه بر مبارزات توهمه و قرارگرفتن در رأس آنها توانست مبارزه را بنزای توهمه تمام کند. اما این توهمه‌های مبارز کدام افتار و طبقات بودند؟ بیارت دیگر صف بندی نیروها در آستانه مبارزات ضد استعماری و ضد فئودالی آن زمان چگونه بود است؟

باید گفت که در صف خلق، تجار، خرده تولید کنندگان (پیشه‌وران، اسفانه بازاریان و کسبه) و روشنفکران، دهقانان و کارگران قرارداشتند. بزرگترین نیروی انقلابی دهقانان بودند که در جریان انقلاب با آنکه شدیداً مورد ستم و استعمار بودند، هنوز بهرکت درپایمه بودند. کارگران نیز بملت صف کمی و کیفی و سطح پایین آگاهی و تشکل توانستند رهبری انقلاب را بدست بگیرند. و در نتیجه درین صف، رهبری انقلاب در دست تجار و روشنفکران وابسته به آنان قرار گرفت.

در صف ضد خلق، فئودالها و کارگزاران و سربرندگان امپراطورهای روس و انگلیس قرار داشتند. بین این امپراطورها برترتقسیم ایران و منابع خام و با ارزش آن درگیربمانی وجود داشت که در عمل مورد استفاده خلق قرار گرفت.

حال ببینیم چنین صف بندی نیروهای خلق در مقابل ضد خلق چه هدفهایی داشته است: رفیق بیژن جزبی در پایان نامه تحمیلی‌اش بنام «نیروها و هدفهای انقلاب مشروطیت» که در سال ۱۳۲۱ نوشت این‌خواستها و هدفها را چنین جمع‌بندی کرده است:

«هدفهای سیاسی انقلاب مشروطیت» این هدفها عبارت بودند از: استقلال ملی یعنی سامت از دخالت بیگانگان در امر حکومت ایران، ایجاد حکومت دمکراتیک بوسیله ایجاد مجلس شورای ملی و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و محدود ساختن اختیارات شاه. تحقق آزادیهای فردی و از جمله آزادی بیان و قلم و ایجاد امنیت فردی، قانونی کردن ادارات بخصوص عدلیه و رفع شکنجه و عذاب توسط زندانبانان» (صفحه ۳۱۵)

«هدفهای اقتصادی انقلاب ایران» عبارت بودند از:

۱- قطع نفوذ اقتصادی و اداری بیگانگان

۲- ایجاد تسهیلات تجاری بفتح بازرگانان داخلی

۳- ایجاد صنایع جدید

۴- محدودیت اقتصادی برای ثوردا لهما و اشراف» (ص ۳۲۲)

«هدف اجتماعی اساسی انقلاب دگرگونی جامعه کهن بود که با وجود اقدامات اصلاحی در طی یک قرن قبل از انقلاب کم و بیش بهمان سان باقیبمانده بود.» (ص ۳۳۵)

اما آیا انقلاب دمکراتیک مشروطیت به هدفهای خود رسید؟

رفیق جزبی در همان رساله‌چنین می‌نویسد: «انقلاب ایران به‌مدفهای اساسی خود نرسید. نتیجه آنکه انقلاب مشروطیت موفق به‌تغییرات

زحمتکشان به بانکها و مؤسسات دولتی و خصوصی باید لغو شود

